

به نام خدا

بررسی تخصصی مزاج شناسی

مدرس، استاد حکیم خیراندیش

جلسه سوم

مورخه ۹۵.۱۰.۲۹

سلام علیکم

در جلسات قبل پیرامون چهار رکن سردی، گرمی، خشکی و تری مباحثی تقدیم شد اما در ادامه این جلسه بسیار مهم است دقت بفرمایید.

رکن پنجم:

آیا نظام خلقت منحصر به همین چهار عنصر است؟

طب سنتی همین چهار عنصر را بنای خلقت معرفی کرده، انتقاد اصلی ما به طب سنتی از دیدگاه اسلامی اینجاست که با این تعریف از نظام خلقت، نظام خلقت را یک جنازه بی روح و جان و روانی تعریف کردید که هیچ توان درک و انعطافی ندارد، نه کنشی و نه واکنشی.

با این تعریف در طب سنتی در جهان هستی تمام کنش و واکنش آن باید شیمیایی باشد غیر از مواد شیمیایی و گرمی و سردی که با هم مخلوط می شوند و همدیگر را ذوب می کنند و حمل می کنند کنشهای دیگری از این چهار عنصر انتظار نمی رود. ولی وقتی وارد حوزه ی طب اسلامی می شوید می گوید یک رکن دیگری هم هست که در این چهار عنصر اثر می گذارد و کیفیتشان را دگرگون می کند.

در بحث روان، ما روح الهی را مطرح می کنیم که در بحث فلسفی به آن نفس می گویند. رکنی وجود دارد که رکن پنجم است که در هر چهار عنصر قبلی دخالت می کند. وقتی می گوییم رکن پنجم، معنی آن این است که پنجمین رکن در مرحله خلق، چون در پنجمین مرحله ی درک ما می باشد. آنرا در مرحله پنجم مطرح می کنیم.

اولین مرحله ی خلق است (مرحله کن الهی) و آخرین مرحله درک (فیکون و ایجاد در عالم ماده) طبیعت ما به نحوی است که مادیات دارای قابلیت بعد و حجم را اول می فهمیم بعداً انتزاع از آنها را. روح الهی دارای قدرت نفوذ و تغییر ماهیت اشیاء هستند. در آتش، آتش طبع سوزانندگی دارد، خداوند به آن می گوید دست از سوزاندن بردار (یا نار کونی برداً و سلاماً علی ابراهیم)، ای آتش برای ابراهیم (ع) برد و سلام شو. آیا توان تغییر ماهیت اصلی اشیا وجود دارد؟ بله وجود دارد توسط رکن پنجم می شود یک وقتی

قانونمندیهای حاکم به طور کل به شکل ضد متغیر باشد این یک قاعده است استثنا هم دارد.

همین الان در هند در بین مسلمانان روز عاشورا روی آتش ذغال که برق می زند راه می روند. این سلولهای تن همزبان شده با نظام هستی . این بحثها باید بشود که اگر نشود بعدا دچار مشکل می شویم والا وقتی بحث دعا درمانی می شود می گویند مگر بدن انسان دعا می فهمد چه فرقی می کند حلال و حرام.

چه عنصری وجود دارد در حلال که در این حرام نیست آن عنصر کجاست و از چه طریقی می آید؟

این مسائل در رکن پنجم بحث می شود. در هوا هم همینطور است. ریز فوتونها و سلولهایی که تشکیل دهنده هوا هستند، بار حرکتند و حامل اشیایی هستند که برای برخی که دارای چشم دل بازند قابل رویت و برای برخی نه ، که این ریز فوتونها نیکی و پلیدی حمل می کنند.

باد و هوا حامل است حامل فضای آلوده و فضای منور. الان برخی زبان و یا گوش شنوای اینگونه پیامها مادران هستند، وقتی دلشان شور افتاد همان لحظه پسرش در جایی اتفاقی برایش افتاده، حامل این پیام باد است. برای آن هم همینطور است.

خداوند به زمین می گوید آبها را ببلع (یا ارض ابلعی ماءک). آب را ما تغییر ماهیت می دهیم با دعا. آب باران نیشان (اردیبهشت) را اگر ۷۰ بار سوره حمد و ۴۰ بار سوره قدر و آیه الکرسی روی آن بخوانند شفای همه ی بیماریها می شود.

خاک هم همینطور است. همه ی خاکها خوراکشان (مصرف آنها) بیماریزا هستند، ولی یک قطعه از این کره ی زمین به خاطر همسایگی خاکش با یک موجود مقدس خاکش شفا می شود، تغییر ماهیت داده به خاطر بار معنوی که پیدا کرده است. مانند خاک تربت امام حسین (ع). بنابراین رکن پنجم در مجموعه ی ارکان طبیعت دخالت می کند و ماهیت آن را به سمت مثبت و منفی تغییر می دهد. هر فعل پلیدی در هر نقطه ای از موقعیت جغرافیایی می تواند اشیای آن محیط را تغییر دهد و کارایی آنها را دگرگون کند. امروزه ثابت شده که با دستگامهایی می شود ثابت کرد که آواز کوزه گری که هزار سال پیش در حال ساخت کوزه، کوزه می ساخته را می شود شنید پس بنابراین فریاد ظلم ستیزانه کسی که در دل قلعه ای که کشته می شده الان در عمق دیوارهاست.

فراوان انسانهای خوب باسواد هستند که فهم طبی خوبی دارند ولی در یک محیط بدی طبابت می کنند و کارشان نمی گیرد باید جایشان را عوض کنند و جایی بروند که انرژی داشته باشد. این حقیقت دارد الان هم متخصصان

فیزیکی ثابت کردند که کجا محیط انرژی بیشتری دارد و کجا ندارد که قابل لمس و درک هم هست. آن فریاد و یا صدای مثبت کل محیط را مثبت می کند.

این پنج عنصر بستر نظام خلقت می شوند. برآیندش دارای یک زمین و آسمانی است. آسمان را ظرف بزرگی تعریف کنید که سیاراتی در حال چرخش و در حال ایستایی هستند. سیارات در حال چرخش را طیارات و آنهایی که ثابت هستند را ثابتات می گویند و ارتباط با کره ی زمین خیلی خیلی محدود است. ما به اشتباه فکر می کنیم که روی زمین ساکنیم اما واقعا اینطور نیست اگر ساکن باشیم تنها ارتباط ما با زمین پای ما است اما کل ارتباط پای ما روی فضا است، اگر در حال حرکت باشیم یک سوم زمان را روی زمین و بقیه را در حال پروازیم. پس بیش از آنکه از زمین بهره مند باشیم از فضا بهره می بریم. یعنی معمولا فقط قسمت کوچک از بدن ما متصل به زمین و قسمت اعظم آن محاط در فضا و متاثر از آن است.

ما همیشه در معرض پرتوهای گوناگون سیارات و ثابتات آسمانی هستیم و چون گردش این سیارات برگرد کره ی زمین نامتوازن است یک گردش، یک ماه و یک گردش سی ماه و یک گردش سی سال است بنابراین گاهی گردونه هایی که برگرد کره ی زمین می چرخند با هم برخورد می کنند

همزمان همسو می شوند بنابراین ما در یک زمان خاص ممکن است همزمان با پرتو دو یا سه ستاره برخورد کنیم.

مثلا بین چهار لامپ سفید، سبز و قرمز و آبی فقط رنگ را تغییر دادیم و پرتو تغییر نکرد چهار واکنش مختلف از خود بروز می دهیم چون با چهار نوع رنگ نوری برخورد کردیم حالا اگر محتوا را تغییر دهیم با چهار نوع پرتو برخورد می کنیم در مقابل هر کدام یک کنش و واکنش خاص شیمیایی و فیزیکی از ما بروز می کند این تغییر رفتار تابع چرخش سیارات و ثابتات را نقش زمان بر تن و روان انسان می گویند که این موضوع خود یک رشته تحصیلی است.

خلاصه پیام این رشته این است که برآیند اثر پرتوهای مثبت سیارات و ثابتات در ساعت خاص بر بدن انسان را ساعت سعد می نامند. برآیند اثر منفی پرتوهای سیارات و ثابتات در ساعت خاص بر بدن انسان را ساعت نحس می نامند.

آیا در شکل گیری تن و روان انسان ساعات سعد و ساعات نحس دخالت دارد؟

بله، قطعا دخالت مستقیم دارد و می تواند نسل را تغییر دهد، چگونگی ساختار بدنش را تغییر دهد، کنش و واکنش را، بیماریزایی و بیماری پذیری انسان را همه را تغییر دهد، باهوشی و یا خرفتی و رفتارهای مختلف.

الان با فرستادن ماهواره ها توانستند تقریبا بافت غالب سیارات را شناسایی کنند که بیشترین جنس کره ی ماه از چه فلزی است، زهره چیست، ناهید چیست؟ اینها را میشود تفسیر کرد که این فلز وقتی در معرض پرتو حرارت خورشید قرار می گیرد این فوتون و با این نوع گاز پرتو این شکلی خواهد داد و وقتی که فلان سیاره که گاز غالبش سرب است پرتو دیگری خواهد داشت .

مثلا در ویژگی برتری که در تن بوعلی سینا بود ناشی از ساعت خاص شکل گیری نطفه است که برآیند اثر پرتوهای آسمانی است.

ما حق نداریم بخش مهمی از نظام فیزیک هستی را از مدنظر دور اندازیم و بگوییم این ماه و ستاره و فلکیات هیچ هستند و هیچ اثری بر بدن ما ندارند. این است علت ساعت پرسیدن بسیاری از مردم از علما برای امورات جاری خود مانند ازدواج، خرید و فروش و غیره.

وقتی که بازتاب عطریات طبیعی هم می توانند واکنشی در بدن ایجاد کنند و روح و جسم و روان را تغییر بدهند آیا پرتوهای آسمانی که با میلیونها تن

با یک وزن مرکب از جنس فلزی در پرتو حرارت نمی تواند در انسان تغییر بیاورد؟

این تبلور عالی علومش می شود یک رشته تحصیلی خاص ویژه که در مبانی دینی هم وجود دارد و بر اساس این قاعده می گویند این گیاه را در فلان ساعت و یا فلان فصل بکارید این نتایج را می دهد و یا در فلان فصل درو کنید یک نتیجه ای می دهد و این یک قاعده ای است خیلی وسیع. ساده ترین بهره مندیش، بهره مندی همسانی در حیوانات که بهره مندی کاملتر از نظام طبیعت است مثلاً گوزنها به آسمان نگاه می کنند و وقتی ستاره ی سهیل وسط آسمان آمد جفتگیری می کنند یعنی هفدهم مهرماه، وقتی دوره ی شش ماهه ی حمل باید طی شود در هفدهم فروردین زایمان می کنند زمانیکه گلهای نازک از زمین روییده و برفی نیست و شب و روز یکسان است.

زمان قدیم چوپانان عموماً از این قاعده استفاده می کردند و همان زمان گوسفند نر را قاطی گوسفند ماده می کردند متأسفانه حالا اینطور نیست وجفت گیری قانون خاصی ندارد. هر وقت شد شد پس بنابراین وسط زمستان زایمان می کند باید با پستانک شیر به بره دهد کلی مکافات دارد چون از دستور قاعده حاکم بر طبیعت بهره گرفته و بزغاله می میرد یا ضعیف می شود. در این بستر اولین مخلوقات گیاهان هستند.

پایان تدریس.

دوستان گرامی نسبت به انتشار تدریس استاد خیراندیش همت داشته باشند.

<https://telegram.me/joinchat/DXph7kDEs2ciiVGoIhfpeg>